مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۱۰، ص. ۳۷-۵۵.

عوامل تعیین‌کننده در واردات ایران

نویسنده: دکتر محمدقلی یوسفی *

چکیده

هدف ما در این مطالعه، پژوهش در باره عوامل تعیین‌کننده در واردات ایران است. تأثیر ظرفیت وارداتی را به عنوان متغیر جانشین برای سیاست واردات در نظر گرفته‌ایم و تأثیر متغیرهای دیگری از قبیل قیمتهای نسبی، سطح درآمد و محصولات صنعتی برروی واردات را بررسی کرده‌ایم. نتیجهٔ مطالعه نشان می‌دهد در حالی که متغیرهای محصول ناخالص داخلی و توان وارداتی، بیشترین تأثیر را بر واردات کشور داشته است، تأثیر قیمتهای نسبی، تقریباً ضعیف بوده است، و این یافته‌ها، فرضیهٔ ما، مبنی براینکه توان وارداتی از طریق تأثیرگذاری برسیاستهای وارداتی دولت برمحصولات صنعتی تأثیر منفی و بر واردات صنعتی تأثیر مثبت گذاشته است را تأیید می‌نماید.

۱. مقدمه

تجارت خارجی، شامل دو بخش واردات و صادرات است، در حالی که معمولاً در محاسبات درآمد ملی، صادرات برآن می‌افزاید واردات از آن می‌کاهد. اگرچه ممکن است در فرایند توسعه، واردات از نظر قدر مطلق کاهش نیابد، اما احتمال دارد که ترکیب واردات تغییر نماید،[۱] به‌ویژه، به این جهت که کشورها با اتخاذ رویکردهای جایگزینی واردات و جهتگیری معطوف به صادرات، می‌کوشند که محصولات ساخت داخل را افزایش دهند.[۲]

---

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

۱. برای توضیح بیشتر در این مورد، نگاه کنید به: J.Ahmad, 1976 and 1978.

۲. برای ارزیابی عملکرد این دو رویکرد در اقتصاد ایران، نگاه کنید به: Yousefi, 1994.

پیتر الکین[۱]، می‌گوید که واردات کالاهای ساخته شدهٔ صنعتی می‌تواند تأثیر مطلوبی در بالابردن بهره‌وری صنایع داشته باشد، اما در مورد اینکه عوامل تعیین‌کنندهٔ واردات کدامند، باید گفت که در هر کشوری متغیرهای متفاوتی می‌تواند برواردات تأثیر بگذارد و حجم و ترکیب آن را تعیین نماید. در ایران، نفت از بدو پیدایش آن در اوایل قرن بیستم، اقتصاد کشور را تحت‌تأثیر قرار داده است. درآمد نفت، منبع اصلی دریافتهای دولت، بخش مهمی از محصول ناخالص داخلی و مهمترین منبع دریافتهای ارزی کشور بوده است.[۲] با اهمیت یافتن نفت به عنوان نیروی محرک رشد و توسعه اقتصادی، صادرات نفت تأثیر مهمی بررشد و تغییرات ساختاری تجارت خارجی داشته است. در طول سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی، صادرات ایران، سالانه ۱۲/۶ درصد رشد داشت، که در پی آن، واردات نیز با همان نرخ رشد افزایش یافت. در طول سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰، زمانی که صادرات سالانه ۲۳/۲ درصد افزایش یافت، واردات نیز سالانه ۲۶/۱ درصد رشد داشت. وقتی که در طول دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰، از رشد صادرات، سالانه ۱/۷ درصد کاسته شد، واردات نیز تقریباً به همان اندازه (سالانه ۱/۸ درصد) کاهش یافت.[۳]

از نظر قدر مطلق، کل صادرات ایران، از ۱۳۰۳ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۴ شمسی)، به ۲۰۱۱۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) افزایش یافت، یعنی در طول این مدت تقریباً ۱۸ برابر گردید. واردات نیز از ۸۶۰ میلیون دلار، به ۱۱۸۶/۴ میلیون، یعنی تقریباً بیشتر از ۱۳ برابر گردید. افزایش صادرات تأثیر شایانی برتقاضای داخل برای واردات گذاشته است، زیرا اقتصاد داخلی، توان پاسخگویی به این تقاضای رشد یابنده را نداشت، و همراه با افزایش درآمد نفت، واردات نیز افزایش یافت. جدول ۱، نشان می‌دهد که اگرچه قدرمطلق واردات و صادرات تغییر کرده است، اما تغییر محسوسی در ترکیب تجاری دیده نمی‌شود. در این مدت، صادرات نفت بیشترین سهم را در کل صادرات، و کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در کل واردات کشور داشته است. هدف این مقاله، پژوهش در باره عوامل تعیین‌کننده واردات ایران است. بخش بعدی مقاله، روش‌شناسی و منابع آماری را ارائه می‌دهد. بخش سوم، یافته‌های تجربی را تحلیل می‌نماید، و در بخش آخر، نتیجه گیری بحث و تحلیل کلی یافته‌ها و همچنین استنباطات کلی این مطالعه ارائه می‌گردد.

---

۱. نگاه کنید به : Peter Elkin,1985.

۲. برای توضیح بیشتر نقش نفت در اقتصاد ایران و رابطه آن با سایر بخشها، نگاه کنید به: ..Yousefi,1995.

۳. نگاه کنید به: *Handbook of International Trade and Development Statistics*(1992) UNCTAD.

جدول ۱. ترکیب تجاری ایران در طول سالهای ۱۳۴۴-۱۳۶۹

سال	کل (میلیون دلار آمریکا)		مواد غذایی (کدهای ۰+۱+۲۲+۴)*		محصولات کشاورزی (کد ۲۸+۲۷+۲-)		سوخت (۳)		مواد معدنی و فلزی (۶۸+۲۸+۲۷)		کالاهای صنعتی (۶۸)-۵تا۸	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
۱۳۴۴	۱۳۰۳/۰	۸۶۰/۰	۳/۴۲	۱۶/۵۵	۴/۶۵	۴/۵۸	۸۶/۷۲	۰/۲۳	۰/۷۹	۱۴/۱۴	۴/۴۰	۶۴/۹۰
۱۳۴۹	۲۴۴۵/۳	۱۶۹۳/۲	۲/۵۷	۶/۵۵	۳/۵۷	۵/۶۶	۸۸/۶۲	۰/۲۰	۱/۲۰	۱۷/۴۱	۴/۰۳	۷۰/۰۹
۱۳۵۴	۲۰۱۱۴/۴	۱۱۵۶۸/۴	۰/۵۵	۱۶/۲۵	۰/۹۷	۲/۸۳	۹۷/۰۴	۰/۱۵	۰/۲۵	۱۷/۳۱	۱/۱۸	۶۳/۴۴
۱۳۵۹	۱۴۲۶۴/۹	۱۸۸۱۳/۰	۰/۰۱	۱۵/۶۸	۶/۱۰	۱/۴۰	۹۴/۷۳	۰/۸۱	۰/۱۶	۹/۵۳	۳/۶۷	۶۸/۰
۱۳۶۴	۱۲۶۳/۵	۱۱۹۸۹	۰/۰۱	۱۶/۲۰	۲/۶۰	۱/۷۰	۹۶/۸۳	۲/۱۰	۰/۲۰	۱۴/۷۰	۱/۲۲	۵۷/۹۰
۱۳۶۹	۱۸۵۲۹/۰	۱۸۷۲۲/۰	۱/۰۹	۱۱/۴۰	۴/۰۰	۱/۹۰	۹۱/۵۰	۲/۳۰	۲/۵۰	۱/۷۰	۱۲/۵۰	۷۹/۳۰

* ارقام داخل دوکمان مربوط به کدهای طبقه‌بندی بین‌المللی استاندارد (SITC) می‌باشند.

مآخذ: UNCTAD *Handbook of International Trade and Development Statistics*(Various Issues).

گزارشهای مختلف سالانه و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲. روش شناسی

تابع تقاضای واردات استاندارد بیان می‌دارد که مقدار تقاضای واردات برای هر کالای خاصی، بستگی به سطح درآمد، قیمت واردات و قیمت محصولات مشابه داخلی دارد.[1] یعنی معمولاً تابع زیرمورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$M_t = f(Y, P_t^m / P_t^d) \qquad (۱)$$

$$f_1 < 0 , f_2 < 0$$

که در معادلهٔ فوق، M مقدار تقاضای وارداتی، Y_t درآمد واقعی یا مشخصتر متغیر فعالیت اقتصادی است که تقاضای واردات را ایجاد می‌کند. P_t^m سطح قیمت واردات و P_t^d سطح قیمت داخلی است. تمام متغیرها برای یک‌زمان معین (t) تعیین گردیده‌اند.

معادلهٔ فوق، در اغلب مطالعات، برای تخمین تابع واردات در کشورهای توسعه‌یافته و

1. Edward E. Leamer, and Robert M. Stern (1970), *Quantitative International Economies.* Boston, Allyn and Bacon, Stephen P. Magee, Price, Income and Foreign Trade in Peter B. Kenen (ed) (1975), *International Trade and Finance: Frontier For Research.* Cambridge University Press 1975.

توسعه‌نیافته مورد استفاده قرار گرفته است. براساس این فرضیه که متغیر قیمت، نقش مهمی در تعیین تقاضای واردات ایفا می‌کند، مطالعات خان (Khan, 1974)، ویسکف (Weisskoff, 1979)، صالحی اصفهانی (Salehi-Isfahani,1988)، بیسواس و رام (Biswas and Ram, 1980)، هوتاکار و مگی (Houthakkar and Magee, 1969)، سالاس (Salas, 1982)، ملو و وگوت (Melo and Vogot, 1988)، سود و صدرالاشرافی (Sud and Sadrolashrafi, 1979-80)، مرواح (Marwah, 1972)، شارما (Sharma, 1975) ، سرمد (Sarmad, 1980) و افراد دیگری این متغیر را وارد تابع تقاضای واردات نمودند. اما کسان دیگری که براین عقیده‌اند که عوامل غیربازاری، در واردات کشورهای در حال توسعه، نقش تعیین‌کننده دارند، این متغیر را از تخمین تابع واردات خود حذف کردند. بدین‌ترتیب، صاحبنظرانی، از قبیل داتا (Dutta, 1965)، مورتی و ساستری (Murti and Sastry, 1951)، چنری و استروت (Chenery and Strout, 1966)، میزلز و ناراسیم‌هام (Maizles and Narasimham, 1975) معتقدند که واردات یا به این دلیل صورت می‌گیرد که تولید داخلی نمی‌تواند تقاضای داخلی را برآورده سازد یا به دلیل عوامل دیگری غیر از قیمت، از قبیل تفاوت در کیفیت به صورت واقعی یا ظاهری بین کالاهای وارداتی و کالاهای ساخت داخل است که واردات انجام می‌گیرد. بدین‌روی، گفته می‌شود که واردات نسبت به تغییر متغیر قیمت حساس نیست. اما در معادلهٔ فوق، تعدیل و واکنش متغیرهای توضیح‌دهنده واردات در معادله بدون هیچ‌گونه تأخیری فرض شده است، در حالی که در عمل، به سبب وجود هریک از این عوامل تعیین‌کننده، ممکن است واردات بی‌وقفه انجام نشود.

در تحقق واردات مورد انتظار، ممکن است که وقفه‌های شناختی[1]، وقفه‌های تصمیمگیری[2] و وقفه‌های تحویلی[3] (توزیعی)، وقفه‌های جایگزینی[4] و همچنین وقفه‌های تولیدی[5] به‌وجود آید.[6] علاوه برآن، تعدیل واردات به سطح مطلوب دربردارندهٔ هزینه است و تنها بخشی از تعدیل در طول مدت مورد نظر به دست می‌آید.[7] امکان بروز این وقفه‌ها، مبین آن است که یک تغییر

1. Recognition Lags
2. Decision Lags
3. Delivery Lags
4. Replacement Lags
5. Production Lags
6. Stephen P.Magee, Price, Incomes and Foreign Trade in P.B. Kenen(ed) (1975). *International Trade and Finance,* Cambridge, Cambridge University Press.
7. Zvi Grilliches (1967). Distributed Lags: Survey, *Econometrica,* Vol. 35, pp. 16-49.

درتعادل وارداتی در یک زمان، منجر به تغییر در واردات واقعی در همان زمان و چند دوره بعد از آن می‌گردد. بنابراین، واردات در یک زمان (در زمان t) بستگی به تعادل واردات در همان زمان و چند دورهٔ زمانی پیش از آن دارد. به علاوه، واردات همچنین به‌وسیله عوامل ادواری که ممکن است از عوامل دایمی خیلی متفاوت باشند، تأثیر می‌پذیرد[1] (برای مثال، نگاه کنید به : (Haynes and Stone, 1983 ;Marston, 1971 ;Dunlevy, 1980 ;Ball, Eaton and Sleaver, 1966.

اما در این مطالعه، ما بیشتر به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه اقلام و گروههای اصلی کالاهای وارداتی در مورد تغییر در حجم محصولات صنعتی داخلی و ظرفیت وارداتی واکنش نشان می‌دهند. در این مطالعه، به علت عدم دسترسی به متغیرهای دیگری، از قبیل ذخیره‌های ارزی، طلا و کمکهای خارجی و مانند اینها، دریافتهای ارزی حاصل از صادرات نفت به عنوان تقریبی از ظرفیت وارداتی در نظر گرفته شده است. همچنین در مدل مورد محاسبهٔ ما، شاخص حجم واردات هرگروه از اقلام کالاهای وارداتی به صورت تابعی از شاخص محصولات صنعتی و ظرفیت وارداتی با یک سال وقفه زمانی معین گردیده‌اند. از آنجا که ظرفیت وارداتی حجم واردات را تعیین می‌کند، می‌توان آن را به عنوان یک متغیر سیاستگذاری در نظر گرفت. با در نظر گرفتن تأثیر تغییر در سیاست کنترل واردات، فرض می‌کنیم که افزایش در ظرفیت واردات برسیاست محدود نمودن واردات که به علت تقویت تولید داخلی انجام می‌گیرد، تأثیرمعکوس می‌گذارد، به‌طوری که این افزایش در توان و ظرفیت واردات، نه تنها کل واردات، بلکه همچنین هرگروه از اقلام واردات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است باعث افزایش واردات بیشتر بعضی از کالاها نسبت به سایر اقلام وارداتی گردد. به همین ترتیب، کاهش در ظرفیت وارداتی می‌تواند تأثیر معکوس داشته باشد. به همین دلیل است که ما ظرفیت واردات را به منزله یکی از متغیرهای توضیح‌دهنده در نظر گرفته‌ایم. به بیان دیگر، این متغیر، از طریق تأثیر آن براقلام واردات، تأثیر تغییر سیاستگذاری بلندمدت راکه گاهی اتفاق می‌افتد، در محاسبه منظور می‌نماید. بنابراین، از این طریق می‌توان نقشی راکه سیاست تجاری در تعیین روند تولید و واردات صنعتی ایفا می‌کند، تأیید نمود.

تأثیر ظرفیت واردات بر هرگروه از اقلام وارداتی مثبت در نظر گرفته می‌شود، در حالی که تأثیر

1. Stephen P. Magge, op.cit; M.S. Khan and Kundz. Ross (1975). *Cyclical and Secular Income Elasticity,* Vol. 57, pp. 357-61.

تولید صنعتی برروی واردات می‌تواند مثبت یا منفی باشد که البته بستگی به آن دارد که آیا روابط تعیین‌کنندهٔ آنها مستقیم یا معکوس باشد. رابطه منفی می‌تواند گویای اهمیت و نقش جایگزینی واردات باشد، اما رابطه مثبت می‌تواند گویای اهمیت راهبردی اقلام واردات در تولیدات صنعتی باشد.

ما همچنین برای بیان توضیحات و دلایل احتمالی دیگر واردات، از تابع استاندارد تقاضای واردات استفاده نمودیم. اختلاف بین قیمتهای بومی و قیمت واردات بدون تعرفه اقلام وارداتی بر درجه و میزان حمایت از تولیدات صنعتی داخلی اقلام مشابه دلالت دارد. با فرض ثابت ماندن شرایط دیگر، هر قدر که درجه حمایت، یعنی نسبت قیمتهای بین‌المللی به قیمتهای داخلی افزایش یابد، جایگزینی واردات، و بنابراین واردات اقلام مشابه ممکن است کاهش یابد. اما یک افزایش در واردات همراه با درجه بالاتری از حمایت برآن دلالت می‌کند که جایگزینی واردات بیشتر، در بلندمدت، نیاز به واردات را افزایش می‌دهند. به سخن دیگر، اقتصاد هنوز به مرحلهٔ نهایی جایگزینی واردات نرسیده است. مرحله‌ای که در آن وابستگی کشور به واردات برای رشدکاهش یافته باشد یا ممکن است که برآن دلالت کند که حمایت بدون تحکیم زیرساختهای اقتصادی و اتخاذ سیاست تجاری مناسب با نیاز اقتصاد ملی به تنهایی رویکرد قابل اطمینان ولازم برای خوداتکایی نیست. اما برای تخمین رابطه فوق، به جای استفاده از معادله خطی، از معادلهٔ لگاریتم خطی استفاده کرده‌ایم، زیرا مطالعات بسیاری، از قبیل سالاس (Salas, 1988)، بوی‌لان، کودی و عمر چارتلیق (Boylon,Cuddy and Omar Chartlaigh, 1980, pp. 561-66)، خان (Khan, 1977) و سرمد (Sarmad, 1988) نشان داده‌اند که این شکل معادله نسبت به سایر مدلها ارجحیت دارد. در نهایت، معادله‌های مورد نظر ما به صورت زیر تعیین می‌گردد.

$$\text{Log } M_t = a + b \text{ Log } Mc_{t-1} + c \text{ Log } Q_t + U_t \qquad (۲)$$

$$\text{Log } M_t = a_1 + b_1 \text{Log } Y_t + c_t \text{ Log } [\frac{P_t^m}{P_t^d}] + U_t \qquad (۳)$$

جایی که M_t سطح واردات واقعی، Mc_1 ظرفیت واردات، Q_t شاخص کل تولیدات صنعتی، Y_t درآمد واقعی یا محصول ناخالص داخلی واقعی، P_t^m شاخص قیمت واردات و P_t^d شاخص قیمتهای داخل می‌باشد.

در معادله (۴)، (a) مقدار ثابت، (b) کشش‌پذیری تقاضای واردات نسبت به تغییر ظرفیت وارداتی و (c) کشش تقاضای وارداتی نسبت به تغییرات تولیدات صنعتی برای واردات و U_t خطای معیار است که فرض می‌شود امید ریاضی آن صفر و دارای توزیع بهنجار (نرمال) باشد.

یعنی $U_t = NID(0 , \sigma^2 u)$

در معادله (۵)، b_1 کشش‌پذیری تقاضای واردات نسبت به رشد درآمد، c_1 کشش منحنی تقاضای واردات، a_0 مقدار ثابت و U_t خطای معیار مثل سابق هستند. از آنجا که گفته شده است که کشش‌پذیری تخمین‌زده در تابع واردات تقاضای کل، به علت خطای ترکیب[1] محاسبه و جمع کردن کل تقاضای واردات، میل به صفر شدن دارد، بنابراین، برآورد ضریب کششهای معادله تقاضا برای واردات کل کالاهای وارداتی، برتلاش ما برای تعیین اثر مقداری معیارهای سیاستگذاری برحجم تجارت و رفاه اقتصادی محدودیت ایجاد می‌نماید، و در نتیجه، تخمین معادله تقاضای واردات با جزئیات بیشترکالاها پیشنهاد شده است.[2] به همین جهت، ما معادله تقاضای واردات را برای چند گروه از کالاهای وارداتی برای تعیین مقدار کمی اثر تغییر سیاست واردات و میزان وابستگی وارداتی در سطوح مختلف و گروههای متفاوت کالاهای داخل تخمین زده‌ایم.

مقدار واردات یک گروه خاص از کالاها در نتیجه روی (۱) نسبت قیمت واردات به قیمت داخلی همان کالا و (۲) یک متغیر مربوط به تقاضای داخل یا متغیر مربوط به فعالیتهای اقتصادی رگرس شده است. در فرایند تخمین ما از شاخص داخلی تولیدات صنعتی در تابع تقاضای وارداتی مواد خام (SITC ۲) و روغنهای حیوانی و گیاهی (SITC ۴) و سطح تشکیل سرمایه ناخالص در ماشین‌آلات و ابزار و وسایل و تجهیزات ماشینی (SITC ۷) به عنوان متغیر جانشین برای فعالیتهای اقتصادی انتخاب گردیدند. علت آن هم این است که این متغیرها امکان تأثیرگذاری بیشتری برتقاضای واردات در مقایسه با سطح درآمد دارد. برای سایر گروهها، سطح آمد واقعی به عنوان یک متغیر جانشین خوب برای فعالیتهای اقتصادی انتخاب گردیده است. در مورد متغیر قیمتهای

1. Guy H.Orcutt (May 1980), Measurement of Price Elasticities in International Trade. *The Review of Economics and Statistics.*

2. S.E. Leamer; and R.M. Stern. *op.cit.*

نسبی، وقتی که شاخص قیمتهای داخلی و ارزش هرواحد وارداتی از همان کالا در دسترس نبود، ما از شاخص قیمت کالای نزدیک به آن استفاده کردیم، بنابراین، معادلهٔ ما به شکل زیر محاسبه گردیده است.

$$\text{Log } M_{it} = a_0 + a_1 \text{ Log } Mc_{t-1} + a_2 \text{ Log } Q_{it} + U \qquad (۴)$$

$$\text{Log } M_{it} = B_0 + B_1 \text{ Log } Y_{it} + B_2 \text{ Log } (P_{it}^{m}/P_{it}^{d}) + U \qquad (۵)$$

جایی که M_{it} واردات واقعی گروه i-ام، Y_{it} سطح درآمد یا شاخص تولیدات صنعتی یا تشکیل سرمایه واقعی ناخالص در هرجا که لازم باشد، P_{it}^{m} سطح شاخص قیمت واردات کالای i ، P_{it}^{d} سطح شاخص قیمتهای داخلی کالای i ، و U خطای استاندارد و پسماند است، تمام متغیرها برای زمان (t) محاسبه گردیده‌اند.

با اضافه کردن متغیر روند زمانی در معادله فوق، همچنین می‌توانیم مؤثر بودن سیاست جایگزینی واردات را برحسب جایگزینی واردات در طول زمان مورد ارزیابی قرار دهیم، یعنی با در نظر گرفتن سطح قیمتها و مقدار درآمد تغییر در تقاضای واردات مبین عملکرد راهبرد جایگزینی واردات خواهد بود. بنابراین،معادله تقاضای وارداتی ما به شکل زیر تغییر می‌نماید.

$$\text{Log } M_{it} = \text{Log } B_0 + B_1 \text{ Log } Y_{it} + B_2 \text{ Log } (P_{it}^{m}/P_{it}^{d}) + B_3 t + U \qquad (۶)$$

در اینجا، اگر علامت ضریب واردات B_3 منفی باشد، گویای موفقیت راهبرد جایگزینی واردات است، و اگر مثبت باشد، مبین وابستگی بیشتر به واردات خواهد بود.[1] علاوه براین معادلات، کوشیده‌ایم تا مشخص کنیم که در سیاست تجاری کشور ایران در سالهای پس از انقلاب، نسبت به سالهای قبل از آن، چه تغییری صورت گرفته است و همچنین این مسئله بازنگری شود که تا چه حد ظرفیت وارداتی ناشی از افزایش درآمد نفت برسیاست وارداتی تأثیر گذاشته است. به

1. Richard Weisskaff (1979). Trade Protection and Import Elasticity for Brazil. *The Review of Economics and Statistics,* Vol.61. pp.58-61.

این سبب، یک متغیر مجازی را به معادله خود اضافه کردیم، در نتیجه، شکل نهایی معادلهٔ ما به صورت زیر در می‌آید:

$$\text{Log } M_{it} = d_0 + d_1 \text{ Log } Mc_{it-1} + d_2 \text{ Log } Q_{it} + d_3 (D_{it}) + U_{it} \qquad (۷)$$

در معادلهٔ فوق، D_{it} متغیر کمکی است و ارزش آن برای سالهای پیش از انقلاب (تا سال ۱۳۵۸) صفر و برای تمام سالهای پس از آن یک در نظر گرفته شده است. در اینجا، d_1 ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به ظرفیت وارداتی، d_2 ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به حجم تولیدات صنعتی و d_3 ضریب متغیرهای کمکی دامی است. اطلاعات و آمارها را از نشریات مختلف مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (*سالنامه آماری، ایران در آیینه آمار، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی کشور*) و آمار تجارت خارجی از *سالنامه آماری تجارت خارجی* و از نشریات دیگر گمرک جمهوری اسلامی ایران، گزارشهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نشریات انکتاد و سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول اخذ کرده‌ایم. این مطالعه، براساس ارقام آماری یک دورهٔ ۱۸ ساله، از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۶، محاسبه گردیده است.

۳. یافته‌ها

نتایج مربوط به ضریبهای واردات معادلهٔ فوق در جدولهای ۲ و ۳ آمده است. از مطالعهٔ این جدولها در مورد طبقات و گروههای اقلام وارداتی و واردات صنعتی، می‌توان موارد زیر را بیان نمود.

۱) ضریب تشخیص (R^2) برای توابع تقاضای واردات اقلام وابسته به تولیدات صنعتی و ظرفیت وارداتی در بیشتر موارد بالاست، به استثنای سوختهای معدنی و مشتقات آنها که البته کاملاً قابل درک است، زیرا ایران خود یک صادرکننده بزرگ نفت در دنیاست، بنابراین، رفتار و عملکرد وارداتی سوخت نمی‌تواند با سطح توسعه صنعتی یا ظرفیت وارداتی آن تشریح گردد (نگاه کنید به جدول ۲).

۲) ضریب کشش تقاضای واردات نسبت به ظرفیت واردات مثبت و در تمام موارد (به استثنای سوختهای معدنی) معنی‌دار است که نشاندهندهٔ آن است که بهبود در ظرفیت وارداتی، منجر به افزایش در مقدار واردات می‌گردد. به علاوه، به روشنی نشان می‌دهد که یک تغییر در

ظرفیت واردات، نه تنها کل واردات، بلکه همچنین واردات هر یک از گروههای کالاهای وارداتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتایج، فرضیه ما، مبنی بر اینکه یک افزایش در ظرفیت واردات، ممکن است منجر به آزادسازی واردات گردد، و یک کاهش در ظرفیت وارداتی، ممکن است نتیجه متفاوتی را ارائه نماید، تأیید می‌کند (جدول ۳).

جدول ۲. تخمین تعیین‌کننده‌های واردات ایران، سالهای ۱۳۴۹-۱۳۶۶

گروه کالا	صادرات با یک سال وقفه زمانی	تولیدات صنعتی	متغیر کمکی دامی	R^2	F
مواد غذایی و حیوانات زنده	۲/۰۲۲۵**	-۱/۰۱۳۵**		۰/۵۹۴۴	۲۰/۷۸۰۲
	(۵/۴۷۴۹)†	(۲/۲۷۷۵)			
	-۰/۱۴۷۸	۰/۵۱۳۹	۱/۶۵۸۰	۰/۷۲۰۱	۲۴/۱۶۱۴
	(۱/۷۹۱۰)	(۱/۶۵۵۱)	(۴/۴۵۱۰)		
نوشیدنیها و تنباکو	۶/۶۷۷۱**	-۶/۰۷۰۲**		۰/۳۲۶۶	۷/۵۴۷۱
	(۳/۸۷۸۶)	(۳/۲۱۶۰)			
	۰/۵۹۰۴	۰/۲۹۵۸	۰/۹۹۴۲	۰/۷۵۵۱	۲۸/۷۲۳۲
	(۱/۷۹۱۰)	(۱/۶۵۵۱)	(۱/۳۹۴۱)		
مواد خام	۰/۹۸۳۵**	۰/۰۹۴۴		۰/۸۵۲۵	۷۹/۰۴۰۱
	(۷/۱۸۱۹)	(۰/۵۷۲۲)			
	-۲/۴۶۸۱**	۲/۸۶۳۰**	۱۰/۵۴۱۰**	۰/۷۱۳۱	۲۳/۳۷۴۱
	(۲/۶۱۱۴)	(۵/۶۱۹۱)	(۵/۸۰۵۱)		
سوخت	۰/۴۸۳۶	۰/۲۹۴۴		۰/۰۱۰۲	۰/۷۱۷۰
	(۰/۴۷۰۸)	(۰/۲۳۷۹)			
	۰/۵۵۳۶**	۰/۱۹۵۵	۰/۵۱۵۹	۰/۹۰۳۸	۸۵/۵۱۱۲
	(۴/۴۲۰۴)	(۱/۷۲۹۸)	(۱/۴۳۶۹)		
روغن حیوانی و گیاهی	۱/۶۳۳۶**	-۰/۳۴۵۵		۰/۵۳۱۵	۱۶/۳۱۳۷
	(۴/۴۰۰۴۵)	(۰/۷۰۳۰)			

←

	۱/۰۱۶۴	-۰/۱۶۶۶	-۰/۳۰۳۲	۰/۹۲۸۷	۱۱۲/۸۲۴۱
	(۹/۳۷۵۹)	(۱/۱۲۹۷)	(۰/۷۱۷۱)		
صنایع شیمیایی	۱/۱۱۱۲**	-۰/۵۲۰۲		۰/۶۹۷۱	۳۲/۰۷۲۵
	(۴/۹۲۸۱)	(۰/۰۷۴۳)			
	۰/۷۰۹۱*	۰/۱۵۸۸	-۰/۲۱۳۷	۰/۷۲۶۱	۲۴/۸۸۶۱
	(۲/۳۵۶۱)	(۰/۷۱۲۳)			
ماشین‌آلات و	۱/۱۴۵۵**	۰/۰۶۷۹		۰/۷۸۹۶	۵۱/۶۷۴۳
وسایط حمل‌ونقل	(۵/۹۴۵۷)	(۰/۲۹۲۷)			
	۰/۶۵۷۹**	۰/۳۳۱۲*	۰/۴۵۵۵	۰/۷۹۲۰	۵۷/۱۷۲۱
	(۳/۸۳۶۳)	(۲/۴۳۶۲)	(۱/۰۱۴۸)		
سایرکالاهای‌صنعتی	۱/۲۰۸۶**	-۰/۰۹۷۴		۰/۸۸۰۴	۷۷/۷۲۸۴
	(۷/۱۹۲۸)	(۰/۴۸۱۱)			
	۰/۳۵۷۹	۰/۳۱۲۳*	۰/۶۵۳۱	۰/۸۸۹۲	۷۹/۸۹۹۹
	(۱/۷۱۴۵)	(۲/۴۳۱۰)	(۱/۰۷۶)		
کالاهای طبقه‌بندی	۴/۸۰۹۵**	-۶/۲۸۰۳**		۰/۲۳۹۵	۵/۲۵۱۲
نشده	(۲/۹۲۵۰)	(۳/۱۷۰۶)			
	۰/۶۷۴۳**	۰/۳۷۰۸*	۰/۷۵۳۵	۰/۸۶۴۳	۵۷/۷۹۱۱
	(۳/۱۰۹۵)	(۲/۶۰۳۱)	(۱/۵۳۹۵)		

† ارقام داخل دو کمان، اعداد (t) هستند.

* معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد.

** معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد.

مآخذ آمار: نشریات مختلف مرکز آمار، گمرک جمهوری اسلامی ایران و گزارشهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳) ضریبهای وارداتی نسبت به تولیدات صنعتی در تمام گروه کالاها منفی است، به استثنای ماشین‌آلات و ابزار، سوخت و مواد خام. اما ضریبها تنها برای اقلام مواد غذایی، نوشیدنیها و تنباکو و کالاهای طبقه‌بندی نشده، معنی‌دار است. این یافته‌ها، نشاندهندهٔ توان نسبی جایگزینی واردات در این گروه کالاهاست و عملکرد ضعیف جایگزینی واردات در سایر گروههاست. به بیان دیگر،

این نتایج، منعکس‌کنندهٔ اهمیت راهبردی واردات کالاهای سرمایه‌ای، از قبیل ماشین‌آلات و تجهیزات برای رشد و توسعه صنایع داخلی است.

۴) به استثنای معادله مربوط به مواد خام، با افزودن متغیر کمکی شاخص $\bar{R}^2$ و نسبت F افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. ضریبهای متغیر کمکی معادله گروه کالاهای واردات مثبت است، به استثنای روغنهای گیاهی و حیوانی و چربیها و مواد شیمیایی. اما به استثنای مواد غذایی و حیوانات زنده و مواد خام، ضریبها معنی‌دار نیستند (جدول ۳).

جدول ۳. تعیین‌کننده‌های واردات صنعتی ایران، سالهای ۱۳۴۵-۱۳۶۷

		صادرات نفت با				
شاخه‌های صنعتی	تولیدات‌صنایع	وقفه‌زمانی‌یکساله	متغیردامی	F	R^2
صنایع موادغذایی،	۰/۱۹۷۱	۰/۶۴۸۱**		۱۵/۶۴۰۰	۰/۵۲۴۳
نوشیدنیهاودخانیات	(۱/۷۰۶۹)†	(۴/۸۵۵۶)			
	-۰/۱۴۷۸	۰/۵۱۳۹**	۱/۶۵۸۰**	۲۴/۱۶۰۰	۰/۷۲۰۰
	(۰/۷۰۴۱)	(۴/۴۸۹۰)	(۴/۵۴۱۲)		
صنایع نساجی،	-۰/۱۰۶۸	۱۰/۲۰۸**			
پوشاک و چرم	(۰/۸۷۷۰)	(۸/۶۵۷۳)			
	۰/۵۹۰۴	۰/۲۹۵۸	۰/۹۹۴۲	۲۸/۷۲۱۱	۰/۷۵۵۱
	(۱/۷۹۱۰)	(۱/۶۵۵۱)	(۱/۳۹۴۱)		
چوب و محصولات	۱/۲۳۷۷	۲/۲۹۳۴*	۷/۸۸۹۰	۰/۳۳۸۰	
چوبی	(۱/۹۱۴۰)	(۳/۲۱۶۳)			
	۲/۴۶۸۱**	۲/۸۶۳۱**	۱۰/۵۴۱۱**	۲۳/۳۷۱۱	۰/۷۱۳۷
	(۲/۶۱۹۱)	(۵/۶۱۹۱)	(۵/۸۰۵۱)		
کاغذ، مقوا	-۰/۶۵۴۳	۰/۷۱۹۳**		۱۲۲/۰۰۰	۰/۸۹۹۰
و چاپ	(۱/۸۷۴۳)	(۱۴/۴۶۸)			
	۰/۵۵۳۶**	۰/۱۹۵۵	۰/۵۱۵۹	۸۵/۵۱۰۰	۰/۹۰۳۸
	(۴/۴۲۰۴)	(۱/۷۲۹۸)	(۱/۴۳۶۹)		

←

صنایع شیمیایی	-۰/۰۷۹۶	۰/۹۲۵۴**		۱۹۲/۳۲۰۰	۰/۹۲۸۹
	(۰/۹۶۰۳)	(۱۷/۴۱۴)			
	۱/۰۱۶۴**	-۰/۱۶۶۴	-۰/۳۰۲۳	۱۱۲/۸۲۴۰	۰/۹۲۶۰
	(۹/۳۷۵۹)	(۱/۱۲۹۷)	(۰/۷۱۷۱)		
محصولات معدنی	-۰/۲۰۴۰	۰/۶۴۰۱**		۳۸/۷۸۰۰	۰/۷۳۶۹
غیرفلزی،به غیراز	(۱/۷۷۲)	(۹/۹۷۴۰)			
نفت،زغال‌سنگ	۰/۷۰۹۱**	۰/۱۵۸۸	-۰/۲۱۳۷	۲۴/۸۸۶۱	۰/۷۲۶۱
و مشتقات آنها	(۲/۳۵۶۱)	(۰/۷۱۲۳)	(۰/۲۳۸۳)		
صنایع فلزات	۰/۰۶۶۰	۰/۷۵۳۴**		۱۶۲/۳۵۶۰	۰/۹۲۸۰
اساسی	(۰/۷۰۸۰)	(۱۵/۹۶۶۱)			
	۰/۹۳۴۶**	۰/۲۱۹۹	۰/۵۱۶۶	۱۱۳/۱۶۱۱	۰/۹۲۵۷
	(۶/۵۹۵۷)	(۱/۵۴۴۱)	(۱/۴۰۸۷)		
ماشین‌آلات،	-۰/۲۲۷۷*	۰/۷۹۱۷**		۸۵/۱۳۲۸	۰/۸۸۱۷
تجهیزات و	(۲/۵۳۲)	(۱۱/۵۸۸)			
محصولات‌کارخانه‌ای	۰/۶۵۷۹**	۰/۳۳۱۲**	۰/۴۵۵۵	۵۷/۱۷۱۱	۰/۸۸۱۱
	(۳/۸۳۶۳)	(۲/۴۳۶۲)	(۱/۰۱۴۸)		
صنایع دیگر	-۰/۰۵۵۴	۰/۰۹۸۴		۰/۸۸۹۶	۰/۱۰۱۱
	(۱/۷۱۴۰)	(۰/۶۰۷۵)			
	۰/۳۵۷۹	۰/۳۱۲۳*	۰/۶۵۳۱	۱/۲۱۴۱	۰/۱۱۲۱
	(۱/۷۱۴۰)	(۲/۴۳۱۱)	(۱/۰۶۷۱)		
واردات کل‌صنایع	-۲۰۲۳*	۰/۹۸۲۶**		۸۱/۰۶۲۱	۰/۸۵۶۱
	(۲/۱۶۰۵)	(۱۱/۵۱۲۱)			
	۰/۶۷۴۳**	۰/۳۷۰۸*	۰/۷۵۳۵	۵۷/۷۹۱۱	۰/۸۶۳۶
	(۳/۱۰۹۵)	(۲/۶۰۳۱)	(۱/۵۳۹۵)		

† ارقام داخل دو کمان، اعداد (t) هستند.

* معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد.

** معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد.

مآخذ آمار: نشریات تجارت خارجی گمرک جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات کارگاههای بزرگ صنعتی، نشریات مختلف مرکز آمار ایران، و گزارشهای مختلف بانک مرکزی ایران.

۵) ضریبهای معادله‌های تقاضای واردات برای کالاهای صنعتی و گروههای مختلف صنعتی در جدول ۴ آمده است. همان طوری که از جدول پیداست، کشش تقاضای واردات نسبت به تولیدات صنعتی منفی، اما نسبت به صادرات نفت مثبت است. این رابطه همچنین در مورد گروههای مختلف صنایع صادق است. برای مثال، ضریب کشش تقاضا برای واردات نسبت به تولیدات صنعتی برای تمام گروهها به استثنای مواد غذایی، نوشیدنیها، تنباکو، چوب و محصولات چوبی، فلزات اساسی منفی است. اما تنها ضریبهای ماشین‌آلات و تجهیزات معنی‌دار است. این یافته‌ها نیز ملاحظات قبلی ما مبنی بر اینکه جایگزینی واردات در کالاهای صنعتی صورت گرفته را مورد تأیید قرار می‌دهد. این نتیجه، خاصه در صنایع سرمایه‌ای قوی است. در مورد ظرفیت واردات، ضریبهای تخمین ما برای تمام کالاهای وارداتی مثبت است و از نظر آماری به استثنای صنایع مشمول طبقه صنایع متفرقه در سایر موارد معنی‌دار است. این نکته، بر آن دلالت می‌کند که وجود ارز خارجی مستقیماً بر سیاست آزادسازی تجاری تأثیر گذاشته است. همچنین ضریبهای کمکی نشان می‌دهد که تغییر معنی‌داری در الگوی واردات در دورهٔ پس از انقلاب نسبت به دورهٔ پیش از انقلاب دیده نمی‌شود، به استثنای تغییر در مواد غذایی نوشیدنیها، دخانیات، چوب و محصولات چوبی که برای آنها ضریبها مثبت و معنی‌دار است. این یافته‌ها، بر آن دلالت دارند که همان متغیرهای توضیح دهنده در تعیین سطح و الگوی واردات ایران، حتی پس از انقلاب نیز فعال بوده‌اند.

۶) تخمین معادله‌های تقاضای استاندارد در جدول ۴ ارائه شده است که نشان می‌دهد که ضریبهای کشش درآمدی تقاضا برای واردات در تمام موارد، به استثنای معادله‌های مربوط به گروههای مواد غذایی، نوشیدنیها و دخانیات، چوب و محصولات چوبی مثبت می‌باشد. اما این کشش واردات نسبت به قیمتهای نسبی، به استثنای مواد معدنی غیرفلزی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و وسایط حمل و نقل و صنایعی که در گروه صنایع متفرقه قرار دارند، در سایر موارد منفی است، اما این ضریبها، به غیر از ضریبهای مربوط به ماشین‌آلات و وسایط حمل و نقل و فلزات اساسی در سایر موارد معنی‌دار نیستند. این یافته‌ها، بر آن دلالت دارد که راهبرد جایگزینی واردات در مراحل بعدی توسعه خود واردات کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای، از قبیل ماشین‌آلات و فلزات اساسی را افزایش داده است. به سخن دیگر، اقتصاد هنوز به مرحلهٔ آخر جایگزینی واردات نرسیده است تا نیاز به واردات را کاهش دهد.

جدول ۴. تخمین تابع تقاضای استاندارد برای واردات صنعتی ایران، سالهای ۱۳۴۹-۱۳۶۶

کالا	محصول ناخالص واقعی سرانه	قیمتهای نسبی	زمان	R^2	نسبت F
مواد غذایی،	-۳/۴۵۳۱**	-۰/۱۴۱۲		۰/۵۵۷۸	۲۳/۲۱۱۹
نوشابه‌ها و تنباکو	(۲/۹۵۸۹)†	(۱/۱۴۱۲)			
	-۲/۵۹۴۱*	۱/۱۷۱۲	۰/۹۱۲۷**	۰/۵۹۹۴	۲۵/۲۱۲
	(۲/۸۵۱۹)	(-۲/۷۱۴)	(۴/۳۲۱۱)		
نساجی، پوشاک	۱/۴۷۱۲	-۲/۷۱۴۱			
چرم و پوست	(۰/۷۴۴۳)	(۰/۷۴۳۲)			
	۱/۷۴۲۵	-۳/۰۱۱۲	-۰/۴۳۲۱	۰/۷۶۹۷	۲۹/۷۸۵۷
	(۰/۸۵۴۱)	(۰/۸۴۲۱)	(۰/۷۴۲۱)		
چوب‌ومحصولات	-۰/۵۷۶۵	-۰/۶۱۴۱		۰/۳۰۷۱	۶/۹۴۳۲
چوبی	(۰/۴۳۲۱)	(۰/۷۳۲۱)			
	۰/۳۷۴۱	-۰/۶۷۴۱	۰/۱۷۴۱	۰/۴۱۱۹	۷/۹۹۱۹
	(۰/۷۷۵۹)	(۰/۷۵۲۱)	(۰/۱۹۴۱)		
کاغذ و محصولات	۲/۳۱۱۴	-۰/۱۴۷۷		۰/۸۴۳۲	۷۸/۱۴۷۲
کاغذی	(۲/۱۳۲۱)	(۰/۹۱۴۱)			
	۲/۴۹۱۴	-۰/۰۱۷۴	-۱/۳۱۷۷*	۰/۹۴۳۲	۸۵/۱۷۲۱
	(۱/۱۷۴۱)	(۰/۹۹۷۵)	(۲/۷۵۶۲)		
صنایع شیمیایی	۰/۴۳۱۷	-۰/۱۴۷۲		۰/۷۴۲۱	۲۴/۱۱۲۱
و دارویی	(۱/۷۲۱)	(۱/۲۷۴۱)			
	۰/۷۷۹۵	-۰/۱۹۲۱	-۲/۱۶۵۴	۰/۷۷۸۸	۲۶/۱۷۱۹
	(۱/۶۵۴۱)	(۱/۲۷۵۱)	(۱/۱۹۶۵)		
مواد معدنی	۱/۷۳۲۱	۰/۱۷۴۱		۰/۷۴۲۱	۲۶/۱۷۲۹
غیرفلزی	(۲/۱۷۱۴)	(۰/۹۱۹۹)			

←

	۱/۷۷۴۳*	-۰/۱۹۷۵	-۲/۲۴۳۵*	۰/۷۸۴۱	۲۸/۱۷۹۱
	(۲/۷۵۹۱)	(۱/۱۲۲۱)	(۲/۷۴۲۱)		
صنایع فلزات	۲/۷۱۴۱*	۱/۲۱۲۹*		۰/۸۰۴۵	۸۰/۰۱۰۱
اساسی	(۲/۴۳۲۱)	(۲/۴۷۴۱)			
	۳/۷۵۴۱*	۲/۹۷۵۱**	-۱/۲۷۲۱	۰/۹۱۲۱	۹۵/۴۷۴۵
	(۲/۷۵۴۱)	(۳/۴۱۲۷)	(۱/۱۷۲۱)		
ماشین‌آلات،	۳/۴۴۷۱**	۲/۲۷۴۳**			
تجهیزات و	(۳/۰۱۴۱)	(۳/۷۴۲۱)			
وسایط‌حمل‌ونقل	۳۱۷۹۵۱**	۳/۱۷۹۹**	-۲/۱۹۴۲	۰/۸۶۴۷	۸۲/۲۹۴۹
	(۴/۳۲۱۱)	(۳/۲۵۴۱)	(۱/۱۷۹۵)		
صنایع متفرقه	۱/۲۱۱۰*	۱/۱۱۹۷		۰/۴۳۲۷	۰/۷۴۲۱
	(۲/۲۱۴۱)	(۱/۱۷۴۱)			
	۱/۰۹۹۴**	۱/۰۱۹۹	-۰/۱۷۴۹	۰/۴۲۱۱	۰/۷۴۲۱
	(۳/۳۷۲۱)	(۱/۷۷۵۱)	(۰/۱۹۹۹)		
کل کالاهای صنعتی	۲/۷۶۹۴*	-۱/۰۹۹۷			
	(۲/۹۴۲۱)	(۱/۰۱۰۱)			
	۲/۰۱۱۱**	-۱/۲۱۲۱	-۴/۱۷۴۱**	۰/۶۲۹۵	۲۵/۹۹۱۷
	(۳/۱۷۴۱)	(۲/۰۱۰۲)	(۳/۱۹۲۷)		

† ارقام داخل دو کمان اعداد (t) هستند.

** معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد.

* معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد.

مآخذ آمار: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در سالهای مختلف، مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی سالهای مختلف و گزارشهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

برای ارزیابی عملکرد جایگزینی واردات، متغیر زمان را در معادله تقاضای وارداتی استاندارد وارد کرده‌ایم. ضریبها برای متغیر زمان برای تمام گروه کالاهای وارداتی، به غیر از مواد غذایی، نوشیدنیها، تنباکو، چوب و محصولات چوبی، منفی است. اما به غیر از مواد غذایی، نوشیدنیها و تنباکو، کاغذ و محصولات چوبی و مواد معدنی غیرفلزی ضریبها معنی‌دار نیست. بنابراین، در حالی که این یافته‌ها نتیجه‌گیری قبلی ما را تأیید می‌کنند، بر آن دلالت دارند که اگرچه کشور قادر به کاهش وابستگی واردات کالاهای صنعتی سبک و کالاهای مصرفی گردید، اما وابستگی آن به واردات کالاهای سرمایه‌ای، از قبیل ماشین‌آلات و وسایط حمل و نقل و کالاهای واسطه‌ای، از قبیل فلزات اساسی در فرایند صنعتی شدن کاهش چندانی نیافته است که بر آن دلالت دارد که نظام حمایتی اگر براساس معیارهای توسعه‌ای و تحکیم ساختار تولید و اصلاح ساختار اقتصاد استوار نباشد، به خودی خود، رویکرد قابل اطمینانی برای خود اتکایی نیست.

منابع

Ahmad, J. (1976). Import-Substitution and Growth of Exports: an Econometric Test, *Review of Economique,* Vol. 27, No. 2, pp. 309-18.

Ahmad, J. (1978). Import-Substitution - A Survey of Policy Issues, *The Developing Economies,* Vol. 16, No. 51-4, pp. 325-73.

Basudeb Biswas and Rati Ram (1980). Demand Function for India's Foodgrains Imports: Some Elasticity Estimates, *The Indian Economic Journal,* Vol. 27, No. 4, pp. 12-19.

Ball, R.J., J.R. Eaton and H.D. Steaur (1966). The Relationship Between United Kingdom Export performance in Manufacturing and the Internal Pressure of Demand, *Economic Journal,* Vol. 46, pp. 501-18.

Boylan, T.A., M.P Cuddy and I.O. Murichertliagh (1980). The Functional Form of the Aggregate Import-Demand Equation, *Journal of Development Economics,* Vol. 10, pp. 561-66.

Chenary H.B. and A.M. Strout (1966). Foreign Assistance and Economic Development, *American Economic Review,* Vol. 56, pp. 679-793.

Dutta, M. (1965). Measuring the Role of Price in International Trade: Some Further Tests. *Econometrica,* Vol. 33, pp. 600-07.

Dunlevy, James. A. (1980). A Test of the Capacity Pressure Hypothesis Within a Simultaneous Equations Model of Export Performance, *The Review of Economics and Statistics,* Vol. 62, pp. 131-35.

Edward. E. Leamer and Robert M.Stern (1970). *Quantitative International Economics,* Boston, Allyn and Bacon.

Houthakkar. H.S, E. Stephen and Joe A. Stone (1983). Secular and Cyclical Response to U.S.Trade to Income: An Evaluation of Traditional Model, *The Review of Economics and Statistics,* Vol. 65, pp. 87-9.

Haynes E. Stephen and Joe A. Stone (1983). Secular and Cyclical Response to U.S. Trade to Income. An Evaluation of Traditional Model, *The Review of Economics and Statistics,* Vol. 65, pp. 86-95.

Leamer.E. Edward and Robert M. Stern (1970). *Quantitative International Economics,* Boston, Allyn and Bacon.

Khan, M.S. (1974). Import and Export Demand in Developing Countries, *IMF. Staff Paper,* Vol. 21, pp. 878-93.

Marwah. K. (1972). An Econometric Model of India: Estimating Prices, Their Role and Sources of Change, *Indian Economic Review,* April, pp. 53-91.

Marston (1971). Income Effects and Delivery Lags in British Import Demand 1955-67, *Journal of International Economics,* Vol. 1, pp. 375-99

Murti V.N. and V.K. Sastry (1951). Elasticities of Demand for Certain Indian Imports and Exports, *Sankhya,* December.

Maizels (1968). *Exports and Economic Growth of Developing Countries,* Cambridge.

Narsimham, A. (1956). *Short Term Planning Model of India,* Amsterdam.

Orcutt Guy, H. (1950). Measurenment of Prices Elasticities in International Trade, *The Review of Economics and Statistics,* Vol. 32, pp. 117-32.

Peter Elkin (1985). An Extension of the Verdoon Law The Influence of Manufactured Imports on Manufacturing Productivity, UN, *Trade and Development,* New York No.6.

Salehi, Isfahani, Dajavad (1988). Oil Export, Real Exchange Rate Appreciation and Demand for Imports in Nigeria, *Economic Development and Cultural Change,* Vol. 36, No. 2, pp. 495-512.

Yeusefi, Mohammadgholi (1994). *Industrialisation and Trade policies of OPEC Countries,* Deep and Deep Publisher, NewDelhi.

Yousefi, Mohammadgholi (1995). The Impact of Oil Industry on the Economy of OPEC Countries: An Empirical Investigation, *Indian Economic Journal,* March.

منتشر شد

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه

ایرانِ آباد
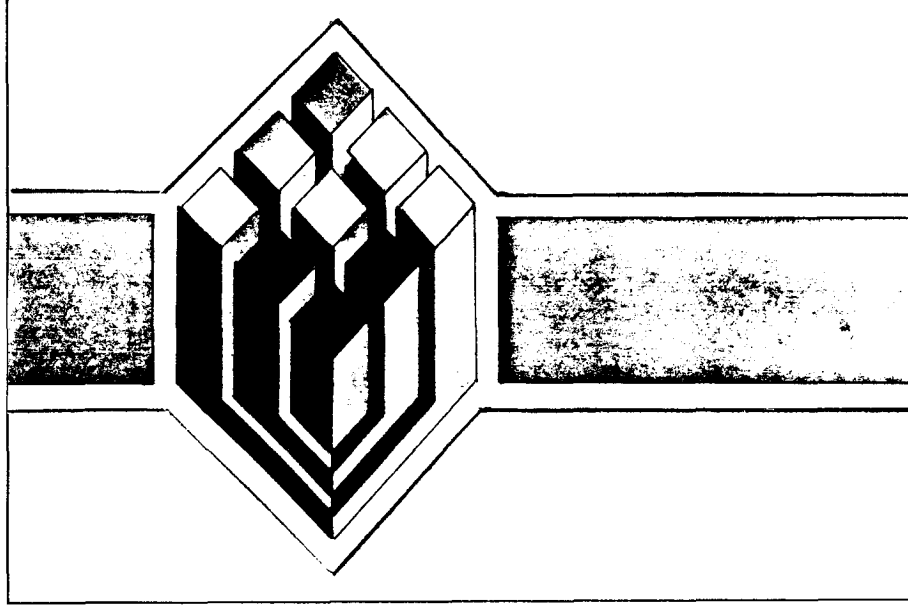
« هشت سال تلاش مقدس »